

آئینه داران

آئینه داران

نقدی بر بیانیه دفتر تحکیم وحدت
ماهیت بیانیه تحلیلی دفتر تحکیم وحدت پیرامون تحولات عراق و منطقه را به تاسی از زنده یاد جلال آل احمد می توان بمثابه نعلنج جنبش دانشجویی ایران تلقی کرد که پس از 70 سال مبارزات عدالت طلبانه و آزادیخواهانه جامعه دانشگاهی کشور اکنون همچون پرچمی به نشانه استیلاي فرهنگ وادادگی و مسخ هویت جنبش دانشجویی بر بام سرای مملکت به اهتزاز درآمده!

هر چند در گفتمان فعلی جامعه امروز ایران که جوان نوازی و صدر نشانی دانشجویان کشور مبدل به گفتمان قالب در لهجه و گویش همه گرایشها و جناح های سیاسی ایران بمنظور بدست آوردن دل ایشان شده و تندی و تلخی کردن با جوانان حکماً افاده معنای خودکشی سیاسی را پیدا کرده اما در تبیین بیانیه دفتر تحکیم وحدت که بمثابه منشور روحيات نسل جوان فرهیخته و دانشجوی کشور است لازم دانستم فرای از تعارفات و تعلقات مصطلح و کسل کننده رایج ، زبان خود در این وجیزه را به تلخی توأم با صراحت بیآلایم که بقول زنده یاد علی حاتمی تا روز خوشدلی زبانمان به خوشی نمی چرخد!

جوان خصوصاً جوان دانشجوی را به صفت جوانی و سبک بالی توأم با فرهیختگی می توان به تعبیر آن پیر غنوده در خاک آنانی توصیف کرد که رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریده و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفته و سبکبالان در شوق میهمانی عرشیان و مشتاق خلسه حضور و بی تاب سرایش سرود در مجمع ملکوتی یانند و حال ما خاکیان در بند اول کتاب منیّت خود مانده ایم و از این قافله بانگ جرسی می شنویم.

جوان به صفت صافی و صرافت و صداقتش نه در ایران که در همه جهان مظهر عدالت خواهی ستم ستیزی بوده است. سهم جوانان دانشجوی در تمامی جنبش های عدالتخواهانه و ظلم ستیزانه جهان قطور ترین و قابل دفاع ترین بخش تاریخ مبارزات مردم ستمدیده در گستره تاریخ معاصر جهان بوده و می باشد و خوشبختانه پرونده جنبش دانشجویی ایران در کنار دیگر جنبشهای دانشجویی پرونده ای قابل دفاع و افتخار آمیز است.

اما متأسفانه علی‌رغم همه افتخارات تحسین برانگیز جنبش دانشجویی ایران صدور بیانیه اخیر تحکیم وحدت آب سردی بر جمیع مبارزات پیشین جنبش دانشجویی ایران بود که تلخی آن را تا مدتها نمی‌توان فراموش کرد.

دانشجویان محترمی که در غالب انجمن‌های اسلامی 24 دانشگاه کشور امضای خود را در پای این بیانیه گذاشته‌اند اکنون مسئولیت بسیار طاقت‌فرسائی برای پاسخگویی به تاریخ مبارزات دانشجویی کشور دارند.

خوبست نخست دفتر تحکیم وحدت که در ابتدای بیانیه خود با اشاره به لشگرکشی ارتش ایالات متحده آمریکا به عراق و توفیق این کشور در سرنگونی حکومت طالبانه صدام حسین اظهار داشته:

«خدای محول الحول و الاحول دعای حول حالناي ملت عراق را زودتر از دیگر ملل در ابتدای بهار، مستجاب کرده و در بهار طبیعت، بهار بغداد را نیز فرا رساند و فرصت را در اختیار ملت قرار داد» اکنون به این پرسش پاسخ دهد که بر اساس کدام تلقی و تفسیر، فزون‌خواهی و توسعه‌طلبی ارتش ایالات متحده آمریکا علیه متحد پیشین خود را بنده نوازی خداوند متعال نسبت به مردم عراق و فرا رسیدن بهار بغداد قلمداد کرده‌اند؟

اگر حضور و سلطه آمریکا بر تمامیت کشور مسلمان عراق حضور فرخنده و مبارکی است که بشارت‌دهنده آغاز بهار سیاسی بغداد باشد چه لزومی داشته و دارد که جامعه دانشگاهی کشور همه ساله در 16 آذر به بزرگداشت سه آذر اهورائی جنبش دانشجویی ایران که در پیشگاه قدوم معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا قربانی شدند، مراسم برائت از کودتای ننگین 28 مرداد برگزار کند؟

دفتر تحکیم وحدت چنانچه صادقانه به محتوای بیانیه خود التزام دارد قهراً از این به بعد می‌تواند ضمن ملامت دکتر مصدق که بقول مرتضی‌مردیها بی‌جهت با استعمار انگلستان درافتاد و ایران را از نعمت مستعمره و متمدن شدن! محروم ساخت مراسم بهاریه سیاسی ایران از بعد از کودتای 28 مرداد برگزار نماید!

اخیراً گویش‌روشنفکری ایران گویا متحول شده و با افتخار کشف جدید خود را اعلام می‌کند که سیاست خارجی آمریکا تا قبل از فروپاشی جهان کمونیست را باید در پارادایم جنگ سرد ارزیابی کرد و بر این اساس توسعه‌طلبی و دخالت‌های ناموجه و نامشروع و بعضاً

جنایتکارانه دولتمردان آمریکا در اقصی نقاط جهان را می بایست صرفاً در چارچوب تعهد این کشور برای صیانت از جهان آزاد در مقابل توسعه طلبی ارتش سرخ مورد مذاقه قرار داد.

انصافاً این حرف درستی است اما همه حرف نیست و ایشان سهواً یا عمداً نیمه دیگر دیپلماسی ایالات متحده را نادیده می گیرند.

درست است که استراتژی سیاسی آمریکا در خلال جنگ سرد صرفاً مبتنی بر ایزوله کردن ارتش سرخ در پشت مرزهای بهداشتی مورد وثوق واشنگتن بود و به همین دلیل هم در تامین هدف اصلی خود چندان اهمیتی به ماهیت رژیم های موجود در جمع متحدان منطقه ای خود نداده و از آنها صرفاً بعنوان حافظان خط مقدم نبرد با خطر سرخ بهره می برد و اکنون که فارغ از دغدغه توسعه طلبی فوبیای کمونیست شده انساندوستانه درصدد استقرار دموکراسی و آزادی در دیکتاتوریهای پیش از این متحد خود برآمده ! اما نکته مغفول در این کشف جدید جامعه روشنفکری ایران عدم توجه به استراتژیهای اقتصادی آمریکا در خلال جنگ سرد است که بدون کمترین تغییری و با شدتی بیشتر همچنان ادامه دارد.

چنانچه با تسامح بتوان کودتای 28 مرداد سیا در ایران را از سر خیراندیشی کاخ سفید و بمنظور مهار نفوذ کمونیسم در ایران و منطقه تلقی کنیم با داستان کنسرسیوم و و دلارهای نفتی آمریکا و سیل محصولات و فرآورده های مصرفی کمپانیهای آمریکائی با چاشنی فرهنگ نامأنوس این کشور به ایران و خاورمیانه و صدور گسترده منابع معدنی و نفتی موجود در منطقه چگونه باید برخورد کرد؟

دوستان عزیز دفتر تحکیم وحدت!

ایالات متحده آمریکا در عرصه اقتصادی نه از سر غرور و تکبر و رخوت بلکه منبعث از ذات و سرشت ساختار سرمایه داری خود محتاج آنست که 70 درصد منابع طبیعی دنیا را جهت سرپا نگاه داشتن سیستم اقتصادی خود ببلعد. در همین چارچوب است که شعار جهانی سازی را صادقانه سر می دهد اما ما جهان سومی ها این شعار را بد ترجمه می کنیم.

جهانی سازی آمریکائی و اصرار بر پایان تاریخ در اردوی لیبرال دموکراسی به معنای آن نیست که همه مثل ما شوید بلکه بر این واقعیت اذعان دارد که همه مال ما شوید! این انحصار طلبی هم از سر نیاز و استیصال است نه غرور و تکبر! جهان گنجایش و ظرفیت برای دو آمریکا با رعایت تمامی ضوابط و ساختارهای موجود در این کشور را

ندارد. برای حفظ و تداوم این گول سرمایه داری که محتاج بلعیدن 70 درصد منابع طبیعی جهان است هر کسی که در کاخ سفید قرار بگیرد چاره ای ندارد که از تمامی ابزارهای موجود اعم از ترور و کودتا و جنگ و تحریم اقتصادی و تبلیغات رسانه ای برای تداوم روند نظام سرمایه داری این کشور بهره برداری کند.

این کمال ساده اندیشی است که لشگرکشی به عراق را به حساب خیراندیشی آمریکا نسبت به مردم این کشور بعد از فارغ شدنش از دغدغه فوبیای سرخ بگذارید و ناسنجیده در بیانیه خود اظهار دارید:

« هر گاه ابتدایی ترین آزادیهای مردمان يك سرزمین نادیده گرفته شود و ظلم حاکمان در قالب های مختلف چون نسل کشی و جنایت و قتل معارضان و دگر اندیشان، نقض حقوق بشر و سلب آزادیهای اجتماعی افراد و در بند کردن اندیشمندان و خفه کردن صدای ملت برای آن ملک جاری و ساری باشد و امید و توان رفع این ظلم و دفاع از مظلومان در درون آن سرزمین به مقتضای سرکوب و ارعاب و خفقان حاکم، وجود نداشته باشد، آنگاه نه فقط آمریکا که هر کشوری و هر فردی حق دارد به کمک آن ملت مظلوم و در بند آید »

دوستان عزیز در دفتر تحکیم وحدت

شما در بخشی از بیانیه خود با اشاره به طبع و ماهیت خشن جنگ که برخوردار از خونریزی اجتناب ناپذیر است، آورده اید:

« هر زمان انجام جنگی ناگزیر باشد اگر نمی توان این تبعات را به صفر رساند ولی قطعاً این مسوولیت بر آغاز کنندگان جنگ خواهد بود که سعی در به حداقل رساندن این تبعات داشته باشند ... برای برچیدن بساط حکومت خودکامه و دیکتاتوری سیاه صدام و پایان دادن به خیال بافی ها و کشورگشایی های هوسرانانه وی ، شاید هیچ راهی عملی تر، سریعتر و کم هزینه تر از آنچه که در جریان حمله به عراق رخ داد، نباشد چرا که در طول این 30 سال و به خصوص 10 سال اخیر ثابت شده بود که حکومت صدام نه با شعار مرگ بر صدام میلیون ها ایرانی در طول جنگ و الموت لصدام میلیون ها عراقی مظلوم و در بند وی و نه با توان حکیم و چلبی و بارزانی و طالبانی و ... ساقط شدنی نبوده و اگر به فرض محال به تصور قیام و انتفاضه ای این حکومت برچیده شدنی هم می بود، قطعاً آمار کشته شدگان و تلفات چنین انتفاضه ای در عراق به مراتب بیش از دهها برابر تلفات حمله آمریکا به عراق بود بنابراین برای سرنگونی صدام، نه قیام و انتفاضه، نه شعار و

نفرین و نه حتی کودتا هیچیک عملی و کافی نبود و تنها راه ممکن اعمال زور و فشار و حتی حمله نظامی از سوی سازمان ملل و یا یک قدرت نظامی برتر بود ... بنابر این انتظار سقوط بدون هزینه و خونریزی حکومت اقتدارگرا و سفاک صدام که به مدت 30 سال ، حیات ملت عراق را در چنگال آهنین خود گرفته بود انتظاری ناممکن و بلکه غیرعقلانیست»

دوستان عزیز در دفتر تحکیم وحدت

خلاصه و صریح این بخش از بیانیه مزبورتان تاکید بر 3 نکته است:

سقوط صدام توسط مردم عراق تعلیق به محال بود.

تن دادن به خشونت و خونریزی برای سرنگونی حکومت صدام بلاشکال بود.

میزان کشته شدگان در این جنگ توسط آمریکا قابل تحمل و توجیه است.

حال خوبست برای رفع هرگونه ابهام در تاریخ این نکته را در بیانیه خود روشن کنید که ایالات متحده آمریکا از چه زمانی به ماهیت ظالمانه و جنایتکار رژیم صدام حسین پی برد که اینک بیانیه شما آب توبه و رستگاری را بر عملکرد جنگ طلبانه کاخ سفید علیه رژیم بعث حاکم بر عراق می ریزد؟

تا زمانیکه صدام عنصر مناسب و قابل اعتمادی برای مهار ایران و حفظ توازن قوا در منطقه در مقابل جمهوری اسلامی بود کاخ سفید چشم خود را بر روی تمامی جنایتهای این رژیم بسته بود. چطور آن زمانی که همین صدام با حمایت کامل نظامی و تسلیحاتی و اقتصادی و سیاسی و اطلاعاتی جمیع دولتهای غربی و شوروی سابق در کنار قلع و قمع مردم خود اقدام به جنگی 8 ساله با وطن مشترکمان کرد و جوانان ایران را در کنار ظرفیتهای و توانمندیهای اقتصادی کشور به فنا کشاند طبع انساندوستانه ارتش ایالات متحده آمریکا هرگز به نفع آزادی و دموکراسی در ایران و عراق جریحه دار نشد؟

شما در بیانیه خود تلویحاً بی کفایتی و ناتوانی مردم عراق در مبارزه با رژیم صدام را شرط لازم الکفایه مداخله ارتش آمریکا در عراق ولو با تقبل کشتار در سطحی کمتر اعلام کرده اید! و ناجوامردانه و در ایهام هشداره همین نسخه را به دولتمردان ایران داده اید!!!

اولاً این کمال بی انصافی است که سالها مبارزه مردم عراق علیه حکومت صدام را در پیش پای چکمه پوشان آمریکائی قربانی کنید. مطمئن باشید اگر نبود حمایت همه جانبه و چشم پوشی واشنگتن از جنایتهای صدام در تمامی طول سالهای حاکمیت وی بر عراق، مردم این کشور خود راساً و بخوبی توان به زیر کشیدن حکومت وی را داشتند.

همانطور که زنده یاد احمد شاه مسعود قبلاً به حامیان طالبان و مداخله گران در افغانستان گفته بود که شما ما را از شر حمایت خود از طالبان و دخالت از امور افغانستان محروم سازید ما شخصاً خود توان از بین بردن طالبان را داریم.

صدام سالها با سوبسید واشنگتن برای مهار ایران مجوز جنایت در عراق را داشت. اگر چراغ سبز آمریکا در سرکوب قیام شیعیان در سال 91 نبود مطمئن باشید همان سال ریشه حکومت بعث از عراق کنده شده بود. همانطور که سالها مبارزه مردم باکفایت فلسطین چنانچه تنها یک روز برخوردار از عدم حمایت همه جانبه ایالات متحده آمریکا از جنایتهای و سیاستهای ظالمانه دولت تل آویو شود مطمئن باشید پرونده جنایات اسرائیل در فلسطین اشغالی به طرفه العینی بسته خواهد شد.

گذشته از آن شما که در بیانیه خود مجوز اعمال جنگ و خشونت را برای سرنگونی صدام توسط آمریکا را بدلیل ناتوانی و بی کفایتی مردم عراق در مبارزه با آن رژیم را صادر کرده اید، باید به لوازم ادعای خود نیز پایبند باشید.

اگر بزعم شما اعمال جنگ و خشونت توسط کشوری خارجی برای سرنگونی حکومتهای بی اعتنا به مطالبات مردم قابل دفاع است و در جای بیانیه خود به صراحت با نشان دادن ساز و برگ نظامی آمریکا حکومت ایران را نیز از بی توجهی اش به مطالبات مردم پروا داده اید، بسم الله ، بجای صدور مجوز کشتار و مداخله نظامی برای ارتش آمریکا علیه حکومت ایران خودتان راساً بکشید!!!

نسل من پیش از این باکفایتی خود را با انقلابی مردمی و فراگیر علیه حکومتی بمراتب قدرتمند تر و سفاک تر از صدام حسین در بهمن 57 به اثبات رساند اکنون هم با اعتقاد بر قابلیت اصلاح پذیری وجوه نامتعارف نظام برآمده از آن انقلاب با شدت و ضعف بدنبال تکمیل نارسائیهای آن است.

اما شما که قائل به خشونت هستید خود را از طعم شیرین! آن محروم

نکرده و بجای آنکه در لفافه ترغیب ارتش آمریکا را برای حمله به ایران دامن بزنید ، برای اثبات باکفایتی خود بکوشید بجای ارتش آمریکا شخصاً خون غاصبین حقوقتان را بریزید. لاقلاً در آنصورت در عین حالیکه متهم به خشونت ورزی می شوید در ازای آن بجای آمریکائیه‌ها راساً از کلیه حقوق و مزایا و غنائم جنگی برخوردار خواهید شد!

دوستان عزیز دفتر تحکیم وحدت

در بخش دیگری از بیانیه خود پرسیده اید:

« برآستی ضرر تجاوز عراق به ایران و وقوع 8 سال جنگ با ضرر کدام اقدام اسرائیل برای ما برابری می کند ؟ ضربه ای که 8 سال جنگ بین دو کشور مسلمان ایران و عراق نصیب اسلام و مسلمین کرد با کدام عمل حکومت اسرائیل بر علیه کشورهای اسلامی قابل مقایسه است؟ »

متأسفانه این پندار غلط نیز مدتی است که توسط برخی از دوستان روشنفکر در ایران دامن زده شده که مشکل عمده سیاست خارجی ایران فلسطین محوری بودن آن است.

عزیزان دانشجو من و شما پیرو دینی هستیم که امام سوم مان با رساترین بانگ خطابمان کرد که «اگر دین ندارید آزاده باشید» خوشبختانه شما دین هم دارید. مسئله فلسطین را حتی اگر با آموزه های دینی هم نتوانیم یا نخواهیم ارزیابی کنیم سرشت و ماهیت انسانی و اخلاقی ما این وظیفه را بر عهده تک تک ما و همه انسانهای آزاده جهان می گذارد که از این ملت مظلوم و محروم دفاع کنیم گذشته از آنکه اینجانب به ضرس قاطع اعتقاد دارم خط اول تامین منافع ملی ایران در فلسطین قرار دارد.

تمامی توطئه ها و کارشکنی های دو دهه گذشته که گریبانگیر کشور مشترکمان شد را صرف نظر از بی مبالاتی ها و بی تجربگی ها و بی کفایتی برخی از مسئولین کشور بدون ذره ای تردید برخاسته از دسایس صهیونیسم بین الملل بدانید.

دوستان دانشجو

اسرائیل بخش مسلطی از حاکمیت ایالات متحده آمریکا است. بخش اصلی و عمده سرمایه گذاریهای کلان و تجاری آمریکا متعلق به شهرمندان یهودی آمریکائی است که مطابق قانون اساسی اسرائیل شهروند این

کشور محسوب می شوند و در تحلیل نهائی قبل از آنکه خود را آمریکائی بدانند، همواره به جانب اسرائیل غش کرده و می کنند. کمال ساده اندیشی است که تصور شود اسرائیل به اعتبار نفوذ مسلط خود بر ساختار تصمیم گیری ایالات متحده ذره ای اجازه دهد این کشور بدون لحاظ منافع ملی دولت اسرائیل در خاورمیانه سیاست ورزی کند. تمامی کارشکنی های صورت گرفته در مسیر سیاست خارجی و بعضاً داخلی جمهوری اسلامی ایران را از جنگ تحمیلی 8 ساله تا ده ها و صدها دسیسه و خدعه و فریب و نیرنگ علیه کشورمان را حتی برای یک لحظه هم بدون نفوذ و حضور تل آویو در هرم تصمیم گیری ایالات متحده آمریکا تصور نکنید. نفوذی که در مواقع متعددی لطمه زننده به منافع ملی مردم آمریکا نیز شده و این کشور و مردم آن را بلاگردان زیاده خواهی ها و جنایتکاری و توسعه طلبی عده ای صهیونیست کرده است.

دوستان عزیز تحکیم وحدت

در انتها متواضعانه آن بخش از بدنه جنبش دانشجویی ایران که هم دلی با بیانیه صادره دفتر تحکیم وحدت دارند را توصیه می کنم که اگر دین ندارید که مطمئنم دارید اگر آزاده نیستید که مطمئنم هستید اگر از حماقتها و کارشکنی های جناحی در ایران در روند جنبش اصلاح طلبی ایران دل چرکین و آزرده خاطر شده اید لاقلاً صداقت داشته باشید و بجای آنکه با بیانی نامتعارف و نامانوس با گویش جنبش دانشجویی از زمین و زمان ادله بر موجه بودن جنگ و لشگرکشی ایالات متحده آمریکا به عراق بیاورید، صادقانه همچون مرحوم مدرس در پاسخ به رضا خان که از دست مخالفتهای سید در مسیر یکه تازیهایش به جان آمده و از وی پرسید از جان من چه میخواهی؟ بدون پرده پوشی و گریم بگوئید: میخواهم نباشی!!! لاقلاً این خواسته قابل دفاع و محکمه پسندتر در حافظه تاریخ است.

جنبش اصلاح طلبی موجود ایران نه توان معجزه دارد و نه کیمیاگری بلد است! خاتمی تاوان چه چیزی را باید پس بدهد؟ عجولی و تند روری نسل جوان یا حماقت و پس روی و تحجر جناح محافظه کار را؟ اگر یارای همراهی اش را ندارید لاقلاً در مسیر راه طی شده ولو لاک پشتی اش کارشکنی نکنید.

دوستان عزیز دفتر تحکیم وحدت

چشم های خود را بگشائید. وطن مشترکمان در خطرناک ترین موقعیت

سیاسی خود قرار گرفته. شهر آنقدر شلوغ شده که بقایای مثنی رجاله سلطنت طلب خارج نشین که دستانشان آلوده در همه ویرانی های کشور مشترکمان در دوران حاکمیت ایشان بوده اکنون بوی کباب شنیده و جوانکی بازمانده از آن حکومت منحوس را تعزیه گردان وارितه های سیاسی خود در بُردن دل مسئولین کاخ سفید کرده و بی شرمانه جنبش اصلاح طلبی موجود در ایران را که شما نیز بخش قابل توجهی از آن هستید، به نفع منویسات بولهوسانه خود مصادره کرده و ادعای مالکیت بر آن را نزد حاکمان کاخ سفید می نمایند!

دوستان عزیز در دفتر تحکیم وحدت

اگر امیدی به پیدا کردن کاوه ای دیگر در مصاف با حاکمان ضحاک صفت ندارید و و از آمدن اسکندری دیگر نیز افسوس نمی خورید! صادقانه این شعر یغمای نیشابوری را در خلوت خود نجوا کنید که :

همه نالند از چنگیز و من نالم از این مردم

که زآن چه زین میان چنگیزواری برنمی خیزد؟

که رو در رو کند آئین زشت زشتکاران را

چرا از این میان آئینه داری برنمی خیزد؟

داریوش سجادی

8/خرداد/82

آمریکا